ایران، هند و پاکستان: برد- برد آمریکا : باخت - باخت

در هفته‏های اخیر و در شرایطی که قرار بود دور سوم‏ مذاکرات معاونان وزرای نفت ایران،پاکستان و هند درباره خط لوله گاز( lPl )انجام شود،رسانه‏های هندی و بین المللی اعلام کردند به علت آن که ایران بابت گاز بهایی بیش از حد متعارف مطالبه کرده احداث خط لوله‏ صادرات گاز ایران به دو کشور هند و پاکستان بار دیگر با چالش مواجه شده است.

در حالیکه رسانه‏ها مشکل قیمت را متوجه توافق ایران‏ با هند در خصوص صادرات گاز مایع به آن کشور می‏دانند،اما همزمان یک مقام ارشد شرکت گاز هند ( GAlL )نیز اظهار داشته است‏"به علت مخاطرات و ریسک ژئوپولتیک ایران کار کردن با آن کشور دشوار است‏".

رسانه‏های هند دلیل اقدام ایران را از سویی دلگرمی‏ اختلاف نظر در خصوص‏ قیمت گاز،آن هم در شرایطی که مذاکرات‏ طرفین هنوز ادامه‏ دارد،نمی‏تواند و نباید موجب واکنش‏ مقامات هند شده باشد

نسبت به بازار اروپا و تمایل و تصمیم کشورهای اروپایی‏ برای استفاده از گاز صادراتی ایران(برای رهایی از انحصار روسیه)می‏دانند و از سوی دیگر به عدم توفیق ایران در دستیابی به فناوری میعان‏سازی گاز،که در اختیار آمریکا و کشورهای اروپایی است،اشاره می‏کنند.با وجود این‏ ابراز نظرها مقامات رسمی کشورمان اعلام کرده‏اند که‏ مذاکرات با هند و پاکستان تا حصول نتیجه دنبال خواهد شد.

نفوذ عامل خارجی

موضوع خط لوله گاز مسئله‏ای است که برای رسیدن‏ آن تا به این مرحله بیش از ده سال وقت صرف شده است. حاصل این تلاش ده ساله تفاهم و توافق طرفین در خصوص فروش گاز مایع به هند در تابستان سال گذشته (ژوئن 2005)بود.درباره بهای گاز صادراتی،ایران فرمول‏ مرتبط با بهای نفت خام برنت به اضافه یک هزینه ثابت را پیشنهاد کرده است.براساس این فرمول بهای گاز هم اکنون 20/7 دلار بابت هر میلیون‏"بی.تی.یو( BTU )" است.ولی بهای پیشنهادی هند 25/4 دلار(در مرز پاکستان-هند)است.در مورد گاز مایع( LNG )نیز که قرار است از سال 10-2009 به میزان پنج میلیون تن در سال‏ صادر شود،ایران رقم 1/5 دلار را برای هر میلیون BTU در نظر گرفته،در حالی که طرف هندی مدعی است که طبق‏ توافق به عمل آمده حداکثر قیمت می‏تواند 25/3 دلار برای هر میلیون BTU باشد.

رسانه‏های هند حتی گزارش داده‏اند مقامات وزارت‏ نفت آن کشور در این خصوص نسبت به کسب نظریه و مشورت حقوقی اقدام کرده‏اند تا مشخص شود از لحاظ قراردادی تا چه حد می‏توانند بر نظر خود پافشاری کنند.

البته چنان که پیداست اختلاف نظر در خصوص قیمت‏ گاز،آن هم در شرایطی که مذاکرات طرفین هنوز ادامه‏ دارد،نمی‏تواند و نباید موجب واکنش مقامات هند شده‏ باشد،بلکه این نتیجه ورود عامل خارجی در این قضیه‏ است.برای روشن شدن موضوع نخست به تشریح‏ اوضاع سه کشور ایران،هند و پاکستان می‏پردازیم. سپس موضع جدید روسیه را در این زمینه مورد دقت‏ قرار می‏دهیم و نهایتا به عامل اصلی،که همانا سیاست‏های آمریکاست،توجه خواهیم کرد.

ایران

کشور ما ایران صاحب دومین ذخایر عمده گاز جهان‏ (حدود 17 درصد کل)است.بر این اساس و با توجه به‏ وضعیت جهانی انرژی در سال‏ها و دهه‏های آینده ایران‏ نقش مهمی در تامین نیازمندی‏های گاز طبیعی،مایع‏ (علاوه بر نفت)ایفا خواهد کرد.

هند

هند برای تامین نیازمندی‏های فزاینده انرژی خود به‏ گاز طبیعی و نیز LNG صادراتی ایران احتیاج دارد.هند با رشد اقتصادی حدود 7 درصد در سال هم اکنون حدود 105 میلیون متر مکعب گاز(7/3 میلیارد فوت مکعب)در روز مصرف دارد.در سال‏های گذشته،این کشور در اندیشه واردات گاز از طریق خط لوله از میانمار(برمه) بود.اما به دلیل مشکل رابطه با بنگلادش(کشور مسیر و حایل)و شرایط آن کشور این برنامه عملی نشد.در آغاز سال 2006 نیز چین یکی از عمده‏ترین ذخایر گاز میانمار را پیش خرید کرد و با این اقدام موضوع خرید هند فیصله‏ یافت.

پاکستان برای‏ ترانزیت گاز صادراتی ایران به‏ هند به درآمدی حدود 600 میلیون دلار در سال چشم دوخته است

هند در ماه‏های اخیر تمایل خود را به عضویت در گروه‏ خط لوله گاز ترکمنستان-افغانستان-پاکستان( TAP )به‏ بانک توسعه آسیایی( ADB )،که تامین کننده مالی این خط لوله 5/3 میلیارد دلاری است،اطلاع داده است.آمریکا از ایجاد این خط لوله حمایت می‏کند.در این میان نکته‏ای‏ شایان توجه وجود دارد:برای نخستین بار از زمان استقلال‏ است که هند در روابط و تعاملات خارجی خود مناسبات حسنه را با ایالات متحده تجربه می‏کند.

پاکستان

پاکستان برای تأمین نیاز خود قرار است در صورت‏ اجرایی شدن خط لوله گاز ایران به هند،حدود 30 میلیون‏ متر مکعب گاز خریداری و دریافت کند.علاوه بر این‏ پاکستان برای ترانزیت گاز صادراتی ایران به هند به‏ درآمدی حدود 600 میلیون دلار در سال چشم دوخته‏ است.پاکستان همچنین در نظر دارد در تعامل و همکاری با چین از طریق کمک آن کشور به توسعه بندر گوادر بپردازد و به مرکز( HUB )منطقه‏ای توزیع و انتقال‏ پاکستان در سیاست‏ خارجی خود تجربه نیم‏ قرن فراز و فرود را در روابط خود با ایالات‏ متحده‏دار ایت و در این‏ زمینه از هند متبحرتر است

انرژی تبدیل شود.از همین‏رو پاکستان از ایجاد و عملیاتی شدن خط لوله گاز ایران-پاکستان-هند به دلایل‏ مورد اشاره،حمایت می‏کند و از آن منتفع خواهد شد.

پاکستان در سیاست خارجی خود تجربه نیم قرن فراز و فرود را در روابط خود با ایالات متحده‏دار است و در این زمینه از هند متبحرتر است.از مظاهر چنین تجربه‏ای‏ می‏توان به واکنش پاکستان در قبال مخالفت آمریکا با احداث خط لوله ایران-پاکستان-هند توجه کرد.در حالیکه هند فقط متوجه خط لوله ترکمنستان-افغانستان‏ پاکستان و ادامه آن تا هند( TAOI )است،پاکستان علاوه‏ بر این کار در ماه گذشته هیات عالی رتبه‏ای را به‏ واشینگتن اعزام کرد.مشاور نخست وزیر پاکستان نیز بر لزوم دریافت گاز از ایران و احداث خط لوله پای فشرد. افزون بر این برای تضمین دریافت گاز از مقامات‏ ترکمنستان تعهدی کتبی اخذ کرد و از مقامات آمریکا ضمانت گرفت.

روسیه

رئیس جمهور روسیه در خلال برگزاری اجلاس سران‏ سازمان همکاری شانگهای در ماه ژوئن 2006 آمادگی‏ شرکت روسی گازپروم را برای تامین مالی و ارائه‏ کمک‏های فنی در ایجاد خط لوله گاز ایران-پاکستان- هند اعلام کرد.قصد روسیه از این کار عمدتا این است‏ که امکانات عظیم صادراتی گاز ایران حداقل در میان مدت به جای اروپا متوجه صادرات به پاکستان و هند و سپس احتمالا چین شود،تا موقعیت انحصاری‏ کنونی‏اش خدشه‏دار نگردد.

آمریکا

در سال‏های اخیر و به ویژه پس از جدی شدن موضوع‏ احداث خط لوله و صادرات گاز به هند از طریق پاکستان، تلاش آمریکا معطوف مخالفت و اعمال فشار بر این دو کشور شده است.البته برخی شواهد حاکی است آمریکا درصدد است خطوط انتقال نیرو( Power Grid ) کشورهای آسیای میانه را به کشورهای جنوب آسیا متصل سازد.از تلاش ژاپن برای مساعدت مالی و فنی‏ به کشورهای آسیای میانه و جنوب آسیا از طریق بهبود ساختار مواصلاتی آنان نیز خبرهایی به گوش می‏رسد.

به تازگی ریچارد بوچر،معاون امور آسیایی جنوبی و میانه وزارت خارجه آمریکا،به بحث درباره سیاست‏ آمریکا در قبال دو منطقه مزبور پرداخت.به گفته وی‏ آمریکا در نظر دارد از یک سو قزاقستان،قرقیزستان و تاجیکستان و از سوی دیگر هند و پاکستان را در یک‏ فرآیند همکاری گردهم آورد.افغانستان نیز به عنوان حلقه رابط از نظر راه ارتباطی و همچنین به عنوان مسیر انتقال انرژی از قزاقستان و ترکمنستان به سوی دو کشور دیگر در نظر گرفته شده است.در خصوص کشورهای‏ آسیای میانه غنای انرژی(فسیلی و برق آبی)و در خصوص هند و پاکستان بازار وسیع و اقتصاد رشد یابنده به عنوان عوامل این همکاری در نظر گرفته شده‏اند. در همین ارتباط مقدمات برنامه اتصال خطوط انتقال‏ برق و نیز کارهای خط لوله انتقال انرژی بین ترکمنستان، افغانستان،پاکستان و هند( TAPI )،با مساعدت مالی و فنی و سیاسی آمریکا،در دستور کار قرار گرفته است. ایجاد بزرگراه آلمانی-کراچی(از طریق احداث پل بر روی آمودریا بین تاجیکستان و افغانسان با مساعدت‏ بانک توسعه آسیایی)و تلاش برای ایجاد منطقه آزاد تجاری میان پاکستان و هند از برنامه‏های مورد توجه‏ است.معاون وزارت خارجه آمریکا هدف اصلی را ایجاد تشکلی از کشورهای باثبات دموکراتیک و برخوردار از رفاه بیان کرده است.

تحلیل

مشخص است که نیت اصلی آمریکا از برنامه اعلام‏ شده قطع یا کم کردن نفوذ روسیه و چین در منطقه آسیای‏ میانه،دور زدن یا محروم کردن ایران از جایگاه بر حق‏ خود به عنوان مسیر طبیعی ارتباطی آسیای میانه با دریای‏ آزاد و شریک عمده در تعاملات انرژی و نیز منزوی‏ ساختن ازبکستان است.اما اینکه آیا این آمریکا در دستیابی به این هدف‏ها موفق خواهد بود محل بحث‏ است.

واقعیت این است که آمریکا با توجه به امکانات عظیم‏ نظامی،اقتصادی،سیاسی و مدیریتی و فناوری خود قادر به انجام اموری است که از عهده سایر کشورها برنمی‏آید.در واقع دولتمردان ایالات متحده تصور می‏کنند از فناوری و توانایی مدیریت همه موضوعات و مسائل برخور دارند،در حالی که چنین نیست،دو تجربه‏ اخیر آمریکا یکی تلاش برای بیرون راندن شوروی از افغانستان،که مالا به بروز پدیده طالبان و القاعده منجر شد،و دیگری پیامدهای حمله به عراق و اشغال آن کشور مصداق این سخن‏اند.

برای روشن شدن موضوع می‏توان به وضعیت دو منطقه آسیای میانه و آسیای جنوبی توجه کرد:

آسیای میانه

بعید به نظر می‏رسد روسیه و چین دست روی دست‏ بگذارند و فقط نقش ناظر را بر حرکات ایالات متحده در منطقه آسیای میانه ایفاء کنند.این دو کشور با توجه به‏ بعید به نظر می‏رسد روسیه و چین دست روی‏ دست بگذارند و فقط نقش ناظر را بر حرکات‏ ایالات متحده در منطقه‏ آسیای میانه ایفاء کنند

 برنامه ایران به ماهیت‏ روابط هند و پاکستان‏ توجهی ندارد و خواهان‏ تغییر در مناسبات دو کشور نیست

نزدیکی جغرافیایی به منطقه و سوابق تاریخی و منافع‏ اقتصادی و استراتژیک به یقین به واکنش مناسب برای‏ خنثی کردن اقدامات آمریکا خواهند پرداخت.افزون بر این ایجاد هماهنگی و برقراری همکاری میان کشورهای‏ آسیای میانه،با توجه به اختلافات ارضی و قومی و همچنین بروز پدیده ناسیونالیسم،چندان آسان به نظر نمی‏رسد.

آسیای جنوبی

از سویی تصور اینکه هند و پاکستان بتوانند منطقه آزاد تجاری میان خود ایجاد کنند و از سوی دیگر احداث‏ خط لوله‏ای که 750 کیلومتر آن از افغانستان عبور کند و گاز ترکمنستان را به پاکستان و هند برساند،دشوار است. همچنان که می‏دانیم هند و پاکستان تاکنون سه بار با یکدیگر جنگیده‏اند.اکنون نیز که هر دو به سلاح‏ هسته‏ای مجهزند هراز گاه با آزمایش موشک‏های جدید قدرت و توان خود را به رخ دیگری می‏کشند.

نتیجه اینکه برنامه‏ها و هدف‏های آمریکا عملی به نظر نمی‏رسند.البته ممکن است این پرسش مطرح شود که‏ تفاوت برنامه ایران در صادرات گاز به پاکستان و هند با برنامه‏های فوق چیست و چرا باید انتظار موفقیت آن را داشت.در پاسخ باید گفت که دلیل عدم توفیق برنامه‏ امریکا بی‏توجهی به واقعیت‏های منطقه و کوشش برای‏ پیشبرد مقاصد از طریق اعمال فشار است.در مقابل برنامه‏ ایران به ماهیت روابط هند و پاکستان توجهی ندارد و خواهان تغییر در مناسبات دو کشور نیست.ایران تنها خواستار آن است که پاکستان علاوه بر رفع نیازمندی‏ خود مازاد گاز را از خاک خود عبور دهد و در ازای آن از درآمدی معقول نیز بهره‏مند گردد.